

پس از پایان درس می توانم:  
شهر تهران را روی نقشه پیدا کنم.  
در باره هوا و جمعیت تهران و شهر واشنگتن گفت و گو کنم.  
با حرفهای داده شده کلمه درست کنم  
با کلمه های داده شده جمله بسازم

۱۴۰۵

امروز

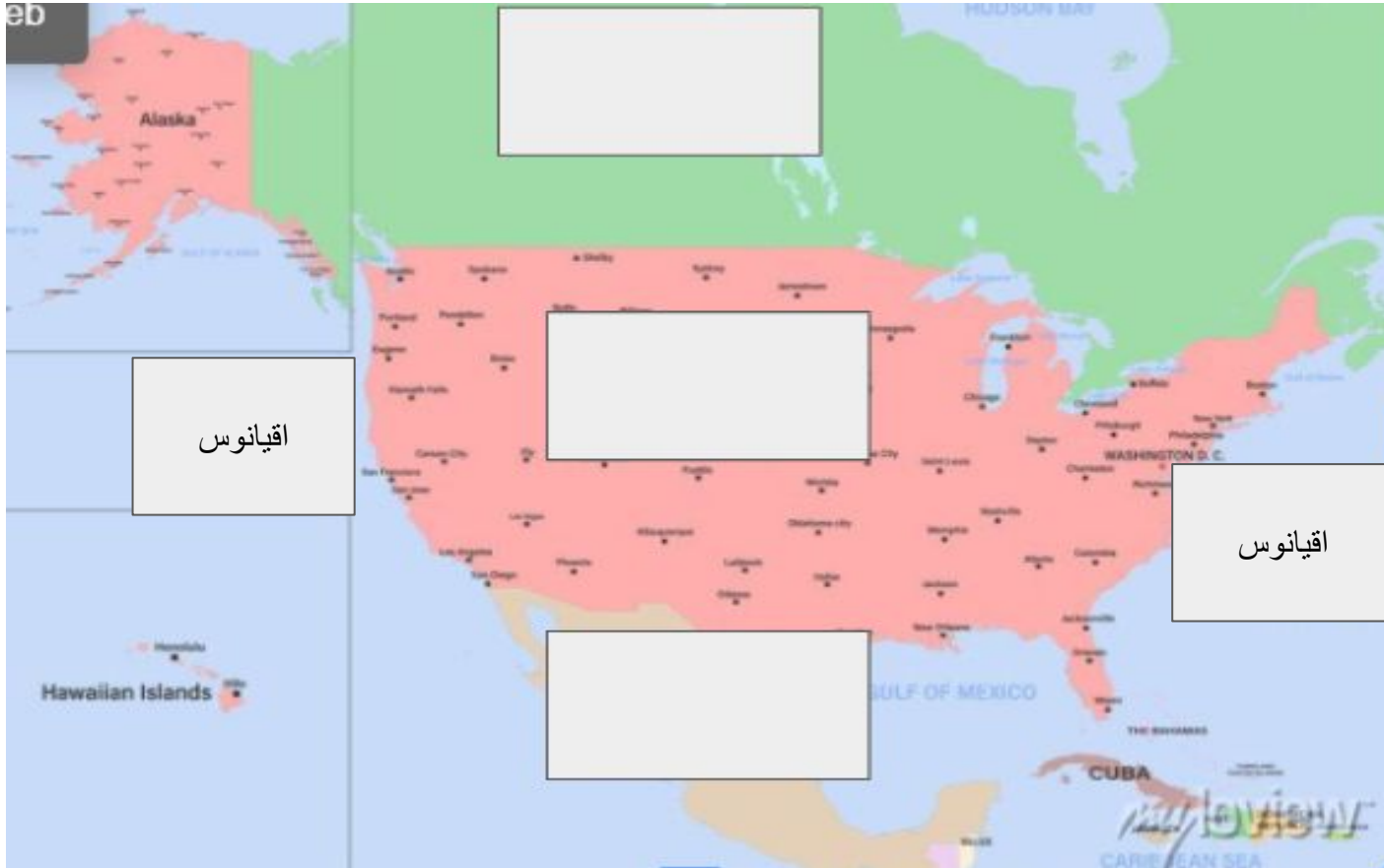
۱۴۰۵ فروردین | Apr 2026

&lt;

&gt;

آدینه	پنجشنبه	چهارشنبه	سه‌شنبه	دوشنبه	یکشنبه	شنبه
۷ 27 Mar	۶ 26 Mar	۵ 25 Mar	۴ 24 Mar	۳ 23 Mar	۲ 22 Mar	۱ 21 Mar
۱۴ 3 Apr	۱۳ 2 Apr	۱۲ 1 Mar	۱۱ 31 Mar	۱۰ 30 Mar	۹ 29 Mar	۸ 28 Mar
۲۱ 10 Apr	۲۰ 9 Apr	۱۹ 8 Apr	۱۸ 7 Apr	۱۷ 6 Apr	۱۶ 5 Apr	۱۵ 4 Apr
۲۸ 17 Apr	۲۷ 16 Apr	۲۶ 15 Apr	۲۵ 14 Apr	۲۴ 13 Apr	۲۳ 12 Apr	۲۲ 11 Apr
۴ 24 Apr	۳ 23 Apr	۲ 22 Apr	۱ 21 Apr	۳۱ 20 Apr	۳۰ 19 Apr	۲۹ 18 Apr
۱۱ 1 Apr	۱۰ 30 Apr	۹ 29 Apr	۸ 28 Apr	۷ 27 Apr	۶ 26 Apr	۵ 25 Apr

۲۹ فروردین برابر با ۱۸ آپریل ۲۰۲۶



دوره کار کلاسی

اقیانوس

اقیانوس

دارا و تارا دوست دارند در باره ایران بیشتر یاد بگیرند.  
آنها از مادر و پدرشان می پرسند که نام پایتخت ایران چیست؟ مادر جواب می دهد که تهران پایتخت و بزرگترین شهر ایران است. نزدیک به ده میلیون نفر در تهران زندگی می کنند. سپس دارا و تارا شهر تهران را روی نقشه پیدا می کنند. تارا می گوید دارا ببین تهران نزدیک به کوه دماوند است. دارا می گوید نگاه کن قله، یا بلندترین قسمت آن پر از برف است.





آنها از مادر و پدرشان می پرسند که هوای تهران در تابستان چگونه است مادر می گوید که تهران در تابستان گرم و خشک و در زمستان سرد است. پایتخت آمریکا واشینگتن دی سی است و جمعیت آن نزدیک به یک میلیون نفر است. جمعیت تهران بیشتر از جمعیت واشینگتن دی سی است. نیویورک پر جمعیت ترین شهر آمریکا است.



کار کلاسی

شهر تهران را روی نقشه ایران نشان دهید



کارخانه

با این حرف ها کلمه یا واژه بسازید

نمونه:

ن - ت - ا - ر - ه تهران

ت - پ - ا - ی - خ - ت

ل - ه - ق -

خ - ک - ش

با واژه های بهم ریخته زیر جمله بسازید

ایران تهران است پایتخت

تهران هوا در تابستان است گرم و خشک

جاهای خالی را با واژه های مناسب زیر پر کنید.  
تهران ----- ایران است.

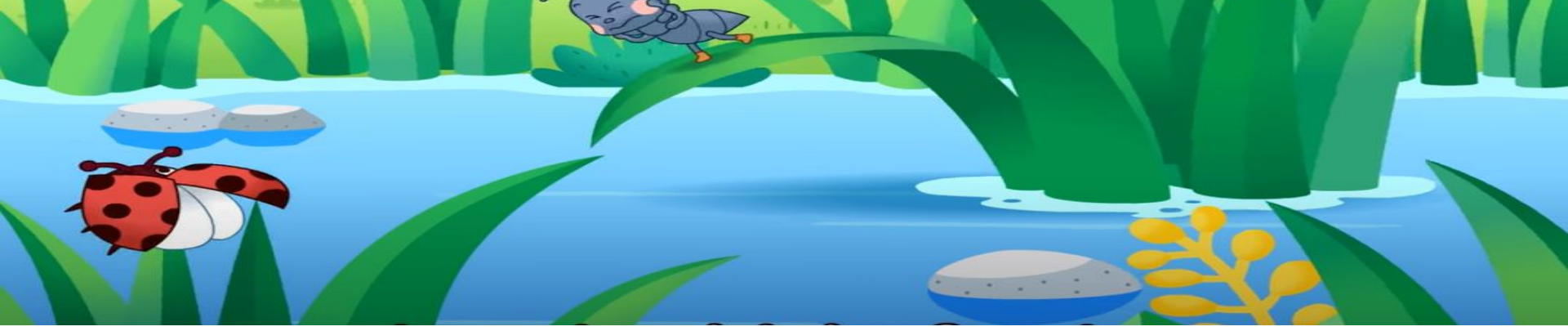
تهران ---- شهر ایران است.

هوای تهران در تابستان----- و ----- است.

جمعیت تهران ----- از جمعیت واشینگتن دی سی است

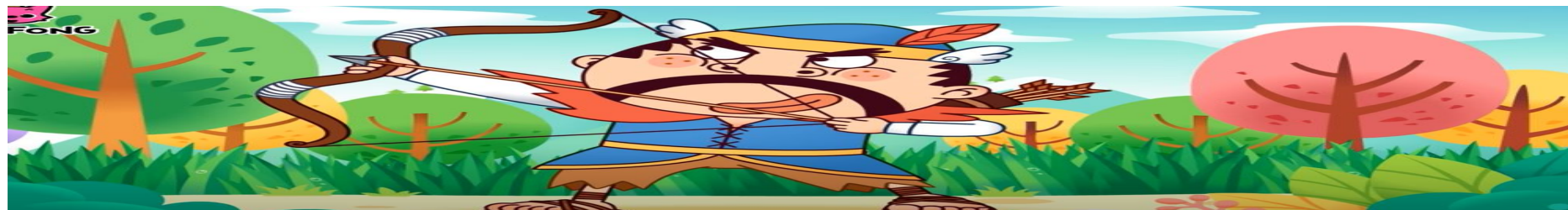
کوه ----- در شمال تهران است.

به ----- جای کوه قله می گویند



در یک روز گرم تابستانی یک مورچه کنار رودخانه رفت که کمی آب بنوشد. مورچه روی برگ درختی رفت و به طرف نوک برگ حرکت کرد همینکه به نوک برگ رسید یک باد شدید آن را به داخل رودخانه انداخت. مورچه که خیلی ترسیده بود شروع به فریاد زدن کرد و کمک خواست؛ کمک کمک به من کمک کنید؛

یک پرنده که از آن جا رد می شد صدای مورچه را شنید و به او گفت الان برایت یک برگ می اندازم و تو آن برگ را بگیر و برو روی آن برگ پرنده یک برگ از درخت کند و در رودخانه انداخت و مورچه هم به روی برگ رفت و نجات پیدا کرد



مورچه به پرنده گفت که هیچ وقت این لطف او را فراموش نمی کند در همین وقت مورچه دید که یک شکارچی پرنده را هدف قرار داده و می خواهد که او را با تیرکمان بزند. مورچه فریاد زد که به پرنده بگویند ولی پرنده متوجه نشد

در همین موقع مورچه با سرعت رفت و انگشت پای شکارچی را گاز گرفت و شکارچی که از شدت درد تیر و کمان را رها کرده بود شروع به فریاد زدن کرد و پرنده متوجه خطر شد و فرار کرد

پرنده به مورچه گفت برای اینکه من را نجات دادی از تو سپاسگزارم و مورچه هم به او گفت که من هم از تو برای نجات جانم سپاسگزارم